

لُسانک رامپا

چشم سوم

سرگذشت شگفت‌انگیز یک لامای تبتی
و نگاهی به سرزمین پُر رمز و راز و عرفانی تبت

www.ketab.ir

برگردان:
فرامرز جواهری‌نیا



سرشناسه: لُبسانگ رامپا، تیوزدی Lobsang Rampa, Tuesday
عنوان و نام پدیدآور: چشم سوم (دربارهٔ عرفان تبتی)/ لُبسانگ رامپا؛ ترجمه‌ی فرامرز جواهری‌نیا.
مشخصات نشر: تهران؛ انتشارات مجید، ۱۳۷۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.

شابک: 978-964-90498-9-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان اصلی: The third eye

موضوع: داستان‌های انگلیسی، قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: جواهری‌نیا، فرامرز، ۱۳۵۳-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۷۰ ج ۵/۱۹۳/PZ۳

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۷-۷۳۶۵ م



تهران، انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، ک. نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

۶۶۴۹۵۷۱۳-۶۶۴۹۱۵۸۸

چشم سوم

لُبسانگ رامپا

ترجمه‌ی فرامرز جواهری‌نیا

چاپ اول، بهار ۱۳۷۰

چاپ نهم، تابستان ۱۴۰۰

۱۰۰۰ نسخه

ویراستاری و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات مجید.

لیتوگرافی مهر، چاپ عطا، صحافی کیمیا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۴۹۸-۹-۲

تمامی حقوق چاپ این کتاب برای انتشارات مجید محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به اجازهٔ کتبی از ناشر است.

فهرست

۷.....	پیشگفتار مترجم: درباره تبت و دین های آن
۱۷.....	پیشگفتار نویسنده
۱۹.....	بخش یکم: نخستین روزها در خانه
۴۷.....	بخش دوم: پایان کودکی ام
۶۳.....	بخش سوم: واپسین روزها در خانه
۷۳.....	بخش چهارم: در دروازه های پرستشگاه
۹۳.....	بخش پنجم: زندگی یک چلا
۱۰۹.....	بخش ششم: زندگی در یک لاماکده
۱۲۱.....	بخش هفتم: گشودن چشم سوم
۱۲۹.....	بخش هشتم: پوتولا
۱۴۹.....	بخش نهم: در پرچین رز وحشی
۱۶۳.....	بخش دهم: باورهای تبتیان
۱۸۷.....	بخش یازدهم: تراپا
۱۹۹.....	بخش دوازدهم: گیاهان و بادبادک ها (کایت ها)
۲۳۱.....	بخش سیزدهم: نخستین دیدار از خانه
۲۴۳.....	بخش چهاردهم: به کارگیری چشم سوم
۲۶۱.....	بخش پانزدهم: شمال رازآمیز و یتی ها
۲۷۷.....	بخش شانزدهم: منش لامایی
۳۰۱.....	بخش هفدهم: واپسین گام پذیرش آئینی
۳۱۱.....	بخش هجدهم: خدانگهدار تبت!
۳۱۶.....	نقشه شهر لاهاسا
۳۱۷.....	یادداشت ها

پیشگفتار نویسنده:

من یک تبتی هستم. یکی از اندک کسانی که به این دنیای شگفت غربی رسیده‌اند. ساختار دستور زبان این کتاب (منظور نویسنده، کتاب، پیش از ویرایش انگلیسی است. م) کاستی‌های بسیار دارد، اما من هرگز در زبان انگلیسی یک درس رسمی نگرفته‌ام. «آموزشگاه زبان انگلیسی» من اردوگاه یک زندان ژاپنی بود و من در آنجا چندان که توانستم از بیماران زندانی زن و مرد زبان انگلیسی آموختم. انگلیسی نویسی من از روش «آزمایش و خطا» مایه گرفته است.

امروزه کشور من - چنانکه پیشگویی شده بود - با یورش کمونیست‌ها به بند کشیده شده است. تنهان این روست که نام راستین خود و دوستانم را پنهان کرده‌ام. با کارهای بسیاری که بر ضد کمونیست‌ها کرده‌ام، می‌دانم اگر که هویتم آشکار شود دوستانم در کشورهای کمونیست به رنج بسیار دچار خواهند شد. از آنجا که هم در دست‌های کمونیست‌ها و هم در دست ژاپنی‌ها گرفتار بوده‌ام، از آزموده‌های خوب خود آگاهم که شکنجه چه کارهایی می‌تواند بکند. اما این کتاب نه درباره شکنجه‌گری، که درباره کشوری آشتی‌جوی و عاشق آرامش نوشته شده که آن را دیر زمانی بد شناخته و بد نمایانده‌اند.

چنانکه به من گفته‌اند، برخی از گفته‌هایی که در این نوشتار آورده‌ام باورکردنی نیستند. شما در باور کردن یا باور نکردن خود آزادید، اما تبت کشوری است که برای دیگر کشورهای جهان ناشناخته است. مردی که، از کشوری دیگر، نوشت «مردم ما در دریا روی لاک‌پشت‌ها سواری می‌کنند»، تا به اندازه خوارداشت به مسخره گرفته شد. همین گونه، آنان که می‌گفتند ماهی «فسیل زنده» را دیده‌اند. با این همه، ماهی یاد شده به تازگی کشف شده و نمونه‌ای از آن را امروز در آمریکا در یک هواپیمای سردخانه زیر بررسی دارند. این مردان را

باور نکردند، اما سرانجام آشکار شد که دقیق و راستگو بوده‌اند. درباره من نیز همین گونه خواهد شد.

ت. لیسانگ رامپا
نوشته شده در سال بز چوبی